

مقایسه تاثیر استراتژی جایگزینی واردات و استراتژی توسعه درونزا بر توسعه پایدار منطقه‌ای (مطالعه موردی استان‌های کرمانشاه، کردستان، همدان، اردبیل، زنجان، آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی)

زینب اسمعیل زاده مرنه

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه تبریز

Zeinab.esmailzadeh70@gmail.com

هدیه نوروزی قورمک

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه ارومیه

h_norouzi71@yahoo.com

دکتر سید جمال‌الدین محسنی زنوزی

استادیار گروه اقتصاد دانشگاه ارومیه

Sj.mzonouzi@urmia.ac.ir

چکیده

در جهان حاضر یکی از دغدغه‌های اصلی کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه دستیابی به توسعه پایدار می‌باشد. محورهای اصلی توسعه پایدار رشد اقتصادی و تکنولوژیکی همراه با حفظ محیط زیست می‌باشد که یکی از راه‌های دستیابی به توسعه پایدار استفاده از استراتژی‌های کارا جهت نیل به توسعه پایدار در سطح منطقه‌ای است، به همین جهت در تحقیق حاضر به بررسی اثر استراتژی جایگزینی واردات (با پروکسی ارزش افزوده صنعت) و استراتژی درونزا (با پروکسی ارزش افزوده بخش کشاورزی) برای استان‌های غرب و شمال‌غرب کشور با استفاده از داده‌های پانل طی دوره زمانی ۹۳-۱۳۷۹ بر توسعه پایدار منطقه‌ای پرداخته شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که یک درصد تغییر در ارزش افزوده بخش صنعت باعث ۵۴ درصد تغییر در ارزش افزوده تمامی استان‌های منتخب می‌شود، در حالی که یک درصد تغییر در ارزش افزوده بخش کشاورزی برای استان‌های منتخب موجب ۴۳ درصد تغییر در ارزش افزوده کل استان‌های منتخب می‌شود. که با توجه به بررسی انجام شده استراتژی جایگزینی واردات به عنوان استراتژی برتر هم در بخش منطقه‌ای و هم در سطح کل کشور در جهت دستیابی به توسعه پایدار قرار دارد که ناشی از ترجیح استراتژی واردات بر استراتژی توسعه درونزا توسط دولت‌ها بوده است. همچنین موفقیت استراتژی توسعه درونزا برای استان‌های منتخب در سطحی بالاتری از کل کشور قرار دارد.

واژگان کلیدی: استراتژی جایگزینی واردات، توسعه پایدار منطقه‌ای، پانل دیتا، صنعت، کشاورزی.



Comparing the effects of import substitution strategy and endogenous strategy on regional sustainable development (case study of Ardabil, East and West Azerbaijan, Hamadan, Kermanshah, Kurdistan, and Zanjan)

Zeinab Esmailzadeh Marneh

Graduate student of Economics, Tabriz University

Hedyeh Norouzi Ghormak

Graduate student of Economics, Urmia University

S. Jamaledin M. Zonouzi

Assistant professor of Economics, Urmia University

Abstract

Nowadays one of the main concerns of countries in the world, especially developing countries is achieving to sustainable development. The main pillars of sustainable economic is the growth and technological development with environmental protection. One of the ways to achieve sustainable development is use of efficient strategies to achieve sustainable development at the regional level. Therefore, this research is analyzing the effects of import substitution strategy (with proxy of value added of industrial sector) and endogenous strategy (with proxy of value added of agricultural sector) on regional sustainable development in west and north- west provinces of Iran by using panel data model during 2000-2014. The findings suggest that a percent change in the value added of the industrial sector makes 54 per cent change in the value added of selected provinces, while the percentage change in value added of the agricultural sector caused a 43 percent change in the value added of the selected provinces. According to results, import substitution strategy is dominant strategy to achieve sustainable development in regional and overall country, which shows the preference of import substitution strategy to endogenous strategy by the government. The success of endogenous development strategy for selected provinces of the country is at a higher level.

Key Words: Import substitution strategy, E endogenous development strategy, Sustainable development, Industrial sector, A agricultural sector.

JEL Classification: C33, O13, O14

مقدمه

بعد از جنگ جهانی دوم بحث‌های زیادی پیرامون توسعه پایدار وجود داشته و به بحث غالب تبدیل شده است. که در این بین استراتژی جایگزینی واردات و توسعه صادرات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. که در مطالعه حاضر بر جایگزینی واردات در زمینه صنعت و کشاورزی تاکید شده است.

بعضی از کشورهای آسیایی در دهه‌های اخیر استراتژی توسعه درون‌زای متکی بر بخش کشاورزی را به کار گرفته و موفق نیز بوده‌اند. از نمونه‌های موفق کشورهای چین و هند هستند. استراتژی ایجاد صنایع جایگزین واردات معمولا در کشورهایی که دارای بازار وسیع وارداتی هستند مورد توجه واقع شده است. نمونه‌ای از چنین بازار گسترده‌ای را می‌توان در کشورهای وسیع با جمعیت بالا مشاهده کرد. نمونه موفق در این مورد را می‌توان برزیل ذکر کرد، عمده رشد اقتصادی این کشور از طریق گسترش بخش صنعت ایجاد شده است و این نشان دهنده گذر موفقیت آمیز این کشور از فرایند صنعتی شدن است.

در بسیاری موارد ایران قبل از انقلاب را به عنوان نمونه ناموفق این استراتژی ذکر کرده‌اند، اما با توجه به اینکه در پیمودن این استراتژی احتیاج به منابع مالی گسترده است، پس حرکت در مسیر این استراتژی در ایران عملا به سال ۱۳۵۲ یعنی افزایش درآمد نفتی ایران بر می‌گردد. از طرف دیگر چون اجرای کامل یک استراتژی به زمان نسبتا طولانی نیاز دارد و ادامه این استراتژی در ایران در اواسط سال ۱۳۵۶ عملا متوقف شد، شاید ارزیابی دقیق در مورد نتایج این استراتژی در ایران منطقی نباشد (روزبهان، ۱۳۹۱). در سال‌های ۱۳۵۷-۶۷ با محدودیت‌های شدید وارداتی همراه بود که نوعی اتکا به درون و درونی شدن تولید را به همراه داشت. در اولین برنامه توسعه بعد از انقلاب (۱۳۶۸-۷۲) استراتژی توسعه صنعتی در این برنامه تاکید از جایگزینی واردات و توسعه صادرات بوده است. در برنامه دوم تا چهارم توسعه نیز جهت گیری کلی مانند برنامه اول بر گسترش صادرات غیر نفتی تاکید شده بود که نشان از گرایش برنامه به استراتژی برون‌گرا است (بزازان و محمدی، ۱۳۸۷).

در طول سه دهه گذشته با توجه به روند افزایش هزینه‌های تولید در بخش کشاورزی به علت وجود تورم در اقتصاد کشور، پایداری اقتصادی فعالیت‌های کشاورزی به شدت مورد هجوم واقع شده و قدرت خرید کشاورزان کاهش یافته است. تولید درآمد در بخش کشاورزی مستقیما تحت تاثیر سیاست‌های دولت بر مالکیت زمین، قیمت‌گذاری، قابلیت دسترسی نهاده‌ها، در دسترس بودن بازارهای مناسب و دیگر انگیزه‌های تولید کشاورزی است (پیشرو و عزیز، ۱۳۸۸).

بدون توسعه بخش کشاورزی بخش صنعت نیز نمی‌تواند پیش برود و هر دو به کمک یکدیگر نیاز دارند اگرچه انتقال منابع از بخش کشاورزی به بخش صنعتی در جریان توسعه اقتصادی به خودی خود غیر منطقی به نظر نمی‌رسد، کشورهای کم درآمد و در حال توسعه برای توسعه سریع اقتصادی -صنعتی خود راهی جز این ندارند که از تمامی منابع و امکانات خود استفاده کنند، بخش کشاورزی در این خصوص نقش مهمی ایفا می‌کند. عدم رشد بخش کشاورزی خود عامل مهم عقب ماندگی صنعتی بسیاری از کشورهای در حال توسعه است. بنابراین، برای رشد ممتد و توسعه صنعتی، اتخاذ سیاستی هماهنگ لازم است که این دو بخش مهم اقتصادی را به هم متصل و موجبات توسعه مشترک آن‌ها را فراهم کند (یوسفی، ۱۳۸۸).

بنابراین هدف از این مطالعه بررسی اثر استراتژی جایگزینی واردات در بخش‌های صنعت و کشاورزی بر توسعه پایدار در هفت استان کردستان، کرمانشاه، همدان، اردبیل، زنجان، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی می‌باشد. در حقیقت در پی پاسخ به این سوال هستیم که استراتژی جایگزینی واردات چه اثری بر توسعه پایدار منطقه‌ای دارد.

مروری بر ادبیات موضوع تحقیق

در این قسمت ابتدا مبانی نظری تحقیق بیان می‌شود و سپس به بررسی مطالعات انجام گرفته مرتبط با موضوع تحقیق پرداخته می‌شود که در دو بخش ارائه می‌گردد. در بخش اول به بررسی مطالعات انجام گرفته در خارج از کشور و در بخش دوم به مطالعات انجام گرفته در داخل کشور پرداخته می‌شود.

۱. پایه‌های نظری

تفاوت مفهوم رشد اقتصادی با مفهوم توسعه اقتصادی در این مسئله نهفته است که رشد اقتصادی مفهومی است که صرفاً بیان‌کننده افزایش‌های کلی تولید در یک جامعه است. در حالی که توسعه اقتصادی فرایندی پویا را در نظر دارد که در این جریان تنها آن قسمت از افزایش‌های تولید و ظرفیت تولیدی را که متکی بر گسترش مبانی علمی- فنی تولید و درون‌زا شدن این مبانی است، مورد توجه و عنایت قرار می‌دهد (عظیمی، ۱۳۸۹). توسعه پدیده‌ای کیفی است که در بستر پدیده رشد اتفاق می‌افتد، در حالی که رشد یک پدیده کمی است. با وجود کیفی بودن توسعه برای مقایسه کشورها با یکدیگر به منظور سنجش پیشرفت کشور از نظر میزان توسعه- یافتگی، باید نشانه‌های کمی در جوامع را با یکدیگر مقایسه کنیم. اقتصاددانان معیارهای متفاوتی برای سنجش میزان توسعه‌یافتگی کشورها معرفی کرده‌اند. آلن دیردورف، استاد دانشگاه میشیگان، توسعه اقتصادی را افزایش پایدار در استانداردهای اقتصادی مردم یک کشور که معمولاً همراه با افزایش موجودی سرمایه فیزیکی و انسانی و بهبود فناوری می‌باشد، تعریف کرده است. عده‌ای دیگر از قبیل می‌یر، بر افزایش بلند مدت درآمد سرانه اشاره داشته‌اند. لوئیس افزایش ظرفیت‌های تولیدی و تنوع در تولیدات یک جامعه را در بلند مدت نشانه توسعه‌یافتگی می‌داند (سلیمی فر و همکاران، ۱۳۸۹).

۱-۱. توسعه پایدار

سه دیدگاه مختلف در مورد توسعه پایدار وجود دارند.

دیدگاه اول: در این دیدگاه که آنرا دیدگاه بازار گرا می‌نامند، محور اصلی توسعه پایدار رشد اقتصادی و تکنولوژی است. بر اساس این دیدگاه، توانایی اقتصادی که در نتیجه رشد اقتصادی و فنی حاصل می‌شود عامل مهم حفظ محیط زیست است، زیرا در اقتصادهای فقیر و از نظر تکنولوژیکی عقب مانده، محیط زیست به ناچار مورد تجاوز و تخریب قرار می‌گیرد.

دیدگاه دوم: که دیدگاه مارکسیسم جدید نیز نامیده می‌شود، تحقق توسعه پایدار در شرایط سیاسی اقتصادی فعلی جهان را غیر ممکن می‌داند (شرط رسیدن به توسعه پایدار تغییر شرایط سیاسی اقتصادی جهان است).

سرانجام، دیدگاه سوم که آنرا محیط گرا می‌نامند، رشد اقتصادی را ماهیتاً در تضاد با حفاظت محیط زیست می‌داند و تنها راه حفظ محیط زیست را محدود کردن رشد تولید و مصرف‌زدگی می‌بیند (روزبهان، ۱۳۹۱).

با بروز ضایعات زیست محیطی و کاهش سطح عمومی زندگی مردم رویکرد توسعه پایدار به عنوان موضوع روز دهه آخر قرن بیستم از سوی سازمان ملل مطرح شد. اصل پایداری در طرحها و برنامه توسعه به عنوان هدف کلی مورد تاکید است و هدفی مستمر می‌باشد (سپهوند و عارف نژاد، ۱۳۹۲).

هدف ترکیب دو مفهوم پایداری و توسعه در گزارش کمیسیون برونتلند تحت عنوان "آینده مشترک ما" ایجاد مصالحه بین رشد اقتصادی مورد نظر نئوکلاسیک‌ها و دغدغه جدید محیط زیستی و به رسمیت شناختن محدودیت‌های بیوفیزیکی رشد به عنوان مانعی برای توسعه اقتصاد بود (Becker, 1997). به نقل از ورمزیاری و بنی اسدی، (۱۳۹۳). در واقع پدیداری و به رسمیت شناخته شدن الگوی توسعه پایدار در سطح جهان ناشی از رشد این آگاهی بوده که توسعه دارای ابعاد مختلفی بوده و نمی‌توان آن را بطور ساده انگارانه با شاخصی مانند تولید ناخالص ملی سنجید، در این دهه توسعه مفهومی پیچیده‌تر نسبت به دهه ۱۹۶۰ پیدا کرد. میتوان گفت در توسعه پایدار، رشد اقتصادی ابزاری برای رسیدن به سایر اهداف اجتماعی و محیط زیستی مانند کاهش فقر، اشتغال زایی، توزیع عادلانه، مدیریت مناسب منابع طبیعی و غیره به شمار میرود به این ترتیب از اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی بحث توسعه پایدار بطور رسمی و بارز وارد مذاکرات رسمی جهانی در زمینه توسعه گردید (ورمزیاری و بنی اسدی، ۱۳۹۳).

توسعه پایدار در مفهوم گسترده یعنی اداره و بهره‌وری صحیح و کارا از منابع مالی، نیروی انسانی و ... و برای دستیابی به الگوی مصرف مطلوب است که با بکارگیری امکانات فنی، ساختار و تشکیلات مناسب برای رفع نیاز نسل امروز و آینده بطور رضایت بخش امکان‌پذیر می‌باشد. توسعه پایدار به معنی ارائه راه‌حلهایی در مقابل الگوهای فانی، کالبدی، اجتماعی و اقتصادی توسعه می‌باشد که بتواند از بروز مسائل همچون نابودی منابع طبیعی، تخریب سامانه‌های زیستی، افزایش بی‌رویه جمعیت، بی‌عدالتی و پایین آمدن کیفیت زندگی انسانهای حال و آینده جلوگیری کند. تعریف عمومی که برای توسعه پایدار به کار می‌رود به این صورت است که توسعه که در صدد برآورد کردن نیازهای نسل امروز بدون اینکه تهدیدی برای توانایی‌های نسل آینده در جهت برآورد نمودن نیازهای خود باشند (Isaksson, 2006). به نقل از سپهوند و عارف نژاد، (۱۳۹۲).

کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه (WCED) الزاماتی را برای توسعه پایدار ارائه کرده است که شامل:

- وجود یک نظام سیاستی که با تامین امنیت برای شهروندان، آنها را در تصمیمات مشارکت دهد.
- وجود یک نظام اقتصادی که بتواند برای تنش‌های ناشی از ناموزونی توسعه چاره اندیشی کند.
- وجود یک نظام مدیریتی قابل انعطاف که ظرفیت خوداصلاحی را داشته باشد.
- ... (هارتمورت، ۱۳۸۱ به نقل از سپهوند و عارف نژاد، ۱۳۹۲).

توسعه پایدار دارای ابعاد و سطوح چندگانه‌ای می‌باشد که در سطوح محلی، ملی و جهانی قابل اعمال است برای عینیت یافتن هدف‌های توسعه پایدار بایستی کلیه ابعاد در هر سه سطح توجه شود. بعد اقتصادی بر رشد اقتصادی و سایر پارامترهای اقتصادی مربوط می‌شود و در آن رفاه فرد و جامعه از طریق استفاده بهینه از منابع طبیعی و توزیع عادلانه منابع طبیعی و توزیع عادلانه منابع تامین می‌شود. بعد اجتماعی به رابطه انسان با انسان، دسترسی به خدمات، سلامت، بهداشت، آموزش، امنیت، ارزش‌گذاری انسانی، مساوات و فقرزدایی توجه دارد. بعد محیط زیست به حفاظت و تقویت منابع فیزیکی، بیولوژیکی، اکوسیستم و رابطه انسان و طبیعت مربوط می‌شود و بعد سیاسی به قانون، سیاست‌گذاری و وضع خط مشی، برنامه‌ریزی، بودجه بندی و بطور خلاصه تنظیم وضعیت

شرایط لازم برای تلفیق هدف‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی می‌پردازد به نحوی که با برقراری رابطه بین آنها تحقق توسعه پایدار امکان پذیر می‌شود (UN، 2001 به نقل از سپهوند و عارف‌نژاد، ۱۳۹۲).

۱-۲. توسعه پایدار منطقه‌ای

دو مفهوم پایداری شهری و توسعه پایداری شهری غالباً به دلیل نزدیکی معنی آنها به‌جای یکدیگر به‌کار می‌روند برای تمایز بین این دو باید توجه شود که کلمه توسعه در "توسعه پایداری شهری" نشانگر فرآیندی است که در طی آن پایداری اتفاق می‌افتد اما پایداری در "پایداری شهری" مجموعه‌ای از وضعیت‌های است که در طول زمان دوام دارد (لقایی و محمدی زاده، ۱۳۸۷ به نقل از سپهوند و عارف‌نژاد، ۱۳۹۲).

پیتر هال توسعه پایدار شهری را به‌عنوان شکلی از توسعه امروزی که توان توسعه مداوم شهرها و جوامع شهر نسل آینده را تضمین کند، تعریف می‌کند (Hall، ۱۹۹۳ به نقل از سپهوند و عارف‌نژاد، ۱۳۹۲).

توسعه پایدار شهری، موضوع‌های جلوگیری از آلودگی‌های محیط شهری و ناحیه‌ای، کاهش ظرفیت‌های تولید محیط محلی، ناحیه‌ای و ملی، حمایت از بازیافت‌ها، عدم حمایت از توسعه‌ی زیان آور و از بین بردن شکاف میان فقیر و غنی را مطرح می‌کند. توسعه پایدار شهری به مثابه دیدگاهی راهبردی به نقش دولت در این برنامه‌ریزیها اهمیت بسیاری میدهد و معتقد است دولت‌ها باید از محیط زیست شهری حمایت همه‌جانبه‌ای کنند. توسعه پایدار شهری، الگوی پایدار سکونت گاه‌ها، الگوی مؤثر حمل و نقل در زمینه‌ی مصرف سوخت و نیز شهر را در سلسله مراتب ناحیه‌ی شهری بررسی می‌کند، زیرا ایجاد شهر را فقط برای لذت شهرنشینان میدانند. توسعه پایدار شهری به دنبال ساختن یک شهر نسبتاً ایده آل و آرمانی است که در آن هم شهروندان معاصر از یک زندگی نسبتاً خوب برخوردار شوند و هم توانایی‌های نسل آینده برای برآورده کردن نیازهایشان به مخاطره نیفتد، یعنی این که نسل حاضر در فراهم کردن شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زندگی باشد که در آن بتوانند نیازهای زیستی و معنوی کل افراد جامعه را در حد مطلوب تأمین کند (توانبخش و ارجمند سیاه پوش، ۱۳۸۸ به نقل از سپهوند و عارف‌نژاد، ۱۳۹۲).

۱-۳. استراتژی‌های توسعه

استراتژی در فارسی به معنی راهبرد تعریف می‌شود. کلاوزویتس بنیانگذار اصلی استراتژی در قرن نوزدهم آن را هنر کاربرد نیروها برای دستیابی به اهداف جنگ تعریف می‌کند. استراتژی هنر مدیریت ارتش در جنگ در زمینه جابجایی تدارک و آراستن نیروها، کشتی‌ها و هواپیماهای جنگی از نظر زمانی و مکانی و به نحوی است که در جنگ به پیروزی منجر شود. همچنین استراتژی مانوردهی طرح و برنامه، بسیج عمومی برای عمل معنی شده است. یعنی مشارکت تمام افراد و داشتن هدف مشترک. استراتژی عبارت است از الگو یا طرحی که هدف‌ها، سیاست‌ها و زنجیره‌های عملیاتی را در قالب یک کل به هم پیوسته ترکیب می‌کند. بنابراین تفکر راهبردی راه و روش ثابت و تغییر ناپذیر یا مجموعه‌ای از دستورالعمل‌های دائمی نیست بلکه یک فرآیند است و نه یک پدیده. فرآیندی آینده‌نگر، یعنی اولویت‌ها را هدف‌گذاری و برای دست‌یافتن به آنها برنامه ریزی می‌کند. در هر برنامه استراتژیک امکانات و محدودیت‌های محیطی داخل و خارج با دقت ارزیابی می‌شوند و آینده به گونه‌ای ترسیم می‌شود که قابل تحقق باشد و بر اساس یک طرح خیالی و غیر عملی نیست. امروزه طرح استراتژی در سایر حوزه‌ها از

جمله اقتصاد و توسعه نیز کاربرد فراوان یافته است. در اینجا منظور از استراتژی توسعه بکارگیری و مهیاسازی منابع و امکانات جامعه، توانمندسازی مردم، فراهم کردن فرصت‌ها و امکانات، برقراری امنیت فردی و اجتماعی و ایجاد انگیزه برای مشارکت فعال مردم به منظور بالا بردن سطح رفاه جامعه و استاندارد زندگی همگانی، کاهش فقر و محرومیت، بیکاری و بیسوادی و ارتقاء توان فنی و فن‌شناختی کشور به گونه‌ای است که در عرصه مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هم‌پای کشورهای توسعه‌یافته اروپایی و آمریکایی شود و در اقتصاد جهانی به رقابت بپردازد (یوسفی، ۱۳۸۸).

اولین دهه بعد از جنگ جهانی دوم شاهد ظهور و گسترش مباحث و دیدگاه‌های متعدد صاحب‌نظران اقتصاد توسعه پیرامون ضرورت و اهمیت صنعتی شدن و راه‌های نیل به آن بود. در این میان دو استراتژی توسعه صادرات و جایگزینی واردات میدان بیشتری برای طرح در اندیشه و عمل سیاست‌گذاران در اختیار داشتند. شوق روز افزون کشورهای در حال توسعه برای صنعتی شدن و تجارب تلخ نابرابر جهانی بعد از جنگ جهانی دوم، بسیاری از این کشورها را به سوی اتخاذ استراتژی درون‌گرایانه سوق داد. کشورهای در حال توسعه با اتخاذ استراتژی جایگزینی واردات با ایجاد محدودیت در واردات، تولید داخلی خود را جایگزین کالاهای وارداتی نمودند. این امر به ویژه در مورد کالاهای صنعتی با جلوگیری از واردات کالاهای ساخته شده و تولید آنها در داخل به وسیله صنایع ایجاد شده و با اتکا به گسترش تقاضا در بازار داخلی صورت گرفت. در اغلب کشورهای در حال توسعه این سیاست با ورود قطعات ساخته شده و فعالیت صنعتی در فرآیند مونتاژ با دست‌کاری‌های نهایی آغاز شد و نوعی صنعتی کردن از بالا به پایین از طریق تولید نهایی کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای را هدف گذاری نمود. اتخاذ این راهبرد با وضع محدودیت‌های گمرکی، سهمیه بندی واردات کالاهای معین و تلاش برای ایجاد صنایع نوزاد به منظور تولید کالاهایی که قبلاً وارد شده همراه بوده است (بزازان و محمدی، ۱۳۸۷).

دلایل اصلی حامیان این استراتژی عبارتند از:

- برای صنعتی شدن ابتدا باید از سطوح ساده‌تر شروع کرد تا به تدریج فرهنگ لازم صنعتی شدن ایجاد شود.
 - چون امکان صدور تولیدات اولیه صنعتی، به دلیل کیفیت پایین‌تر و هزینه بالاتر کم است، پس بازار داخلی امکان لازم برای تولید را مهیا می‌کند.
 - دلایل ارائه شده توسط مخالفان عبارتند از:
 - به رکود کشیده شدن بخش کشاورزی در اثر اجرای این استراتژی، چون بخش عظیمی از واردات مربوط به صنعت است و برای اجرای این استراتژی از صنایع جایگزین واردات حمایت می‌شود، در نتیجه اجرای این استراتژی موجب گسترش شهرنشینی و بسط بی رویه بخش خدمات می‌شود.
 - وابسته شدن طولانی مدت کشور اجرا کننده این استراتژی به منابع ارز در اثر وابستگی به مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای خارج و وابستگی بیشتر اقتصادی به خارج (روزبهان، ۱۳۹۱).
- از دهه ۱۹۸۰ که واژه توسعه پایدار در ادبیات اقتصادی وارد گردید تا به امروز، تعاریف متعددی از این واژه شده است (روزبهان، ۱۳۹۱).

بافعال شدن سازمان تجارت جهانی و پیوستن کشورهای بیشتری به آن کشورهای در حال توسعه در یک تغییر جهت کلی برای به انجام رساندن آزاد سازی تجاری مبادرت ورزیدند، یعنی کشورهایی که ارتباط تجارت

خارجی و رشد اقتصادی را به نفع خود ارزیابی کردند استراتژی توسعه صادرات و آن‌هایی که ارتباط تجارت خارجی و رشد اقتصادی را به ضرر خود دیدند، استراتژی جایگزینی واردات را اتخاذ نمودند. این که استراتژی توسعه صادرات مناسب‌تر است یا استراتژی جانشینی واردات بستگی به شرایط اقتصادی کشورها از لحاظ منابع رشد اقتصادی دارد (علیپور و قدکچی، ۱۳۹۰).

در استراتژی جایگزینی واردات کشور با استفاده از انواع حمایت‌ها و محدودیت‌های تعرفه‌ای و مسیر آن، واردات را محدود می‌کند تا افزایش توان تولید داخلی کالای مشابه خارجی را بنا نهد. از علل اتخاذ این استراتژی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تخریب رابطه مبادله در کشورهای در حال توسعه، حمایت از صنایع نوزاد و تعادل در تراز پرداخت‌ها (علیپور و قدکچی، ۱۳۹۰).

تئوری‌های کلاسیک توسعه همواره بر نقش تجارت خارجی در توسعه اقتصادی تاکید داشته اند با این حال این تئوری‌ها بعضاً از سوی اقتصاد دانان ساختارگرا و نو مارکسیست‌ها مورد انتقاد قرار گرفته است و در این میان اتکای کشورهای در حال توسعه به صدور مواد خام و محصولات کشاورزی به عنوان یکی از دلایل کارکرد چند توسعه‌ای تجارت مدنظر قرار داشته است. از این منظر اقتصاد متکی به درآمدهای نفتی و آسیب‌های ناشی از اقتصاد تک محصولی در کشورهای در حال توسعه‌ای همچون ایران باعث گردیده تا پیش از پیروزی انقلاب استراتژی‌های جایگزینی واردات در قانون مورد توجه واقع گردد و از برنامه سوم توسعه پس از انقلاب موضوع تغییر ساختار تجارت خارجی مورد توجه قرار گرفت (حسینی مطلق، ۱۳۹۰).

اقتصاد دانان کلاسیک و نئوکلاسیک اهمیت ویژه‌ای برای تجارت خارجی در روند توسعه قائل هستند و از آن به مثابه موتور رشد اقتصادی نام می‌برند. در حالی که اقتصاد دانان رادیکال معتقدند که از لحاظ تاریخی ثابت شده است که تجارت خارجی تنها به تشدید نابرابری‌های بین الملل منجر می‌شود بطوری که کشورهای غنی، غنی‌تر و کشورهای فقیر، فقیرتر می‌گردند (قره‌باغیان ۱۳۷۲، به نقل از حسینی مطلق، ۱۳۹۰).

توسعه پایدار در بخش کشاورزی نیز باتوجه به اهمیت این بخش در تامین امنیت غذایی و حفظ منابع طبیعی مورد تاکید زیادی قرار گرفته است. از طرف دیگر در سال‌های اخیر نیز به علت مشکلاتی که در اثر مصرف بی رویه مواد شیمیایی در کشاورزی و روش‌های رایج مواد غذایی بروز کرده است توجه بیشتری به آن معطوف شده است. که در ذیل به برخی از تعاریف موجود در خصوص توسعه کشاورزی پایدار پرداخته می‌شود:

- کشاورزی پایدار نوعی از کشاورزی است که کیفیت زندگی نسل‌های فعلی و آینده را از طریق حفظ و بهبود فرآیندهای اکولوژیکی که زندگی انسان بدان وابسته است، را بهبود می بخشد (New south wales agri، 1998 به نقل از پیشرو و عزیز، ۱۳۸۸).
- تعریف فائو از کشاورزی پایدار عبارت است از: مدیریت و حفاظت از منابع طبیعی پایه و هدایت دگرگونی‌های تکنولوژی و نهادی در راستایی که متضمن ارضای مستمر نیازهای انسانی نسل‌های حاضر و آینده باشد (زاهدی‌مازندرانی، ۱۳۷۷ به نقل از پیشرو و عزیز، ۱۳۸۸).
- کشاورزی پایدار سیستمی است که به صورت کارآمد از منابع استفاده می‌کند، مواد غذایی سالم را تولید می‌نماید، کیفیت محیط و منابع را برای نسل‌های آتی حفظ می‌کند و از نظر اقتصادی پویا است (صدقاتی، ۱۳۷۱ به نقل از پیشرو و عزیز، ۱۳۸۸).

- کشاورزی پایدار، انواع کشاورزی که به کاهش تاثیرات منفی عملیات کشاورزی منجر می شود و شامل کشاورزی بیولوژیک، کشاورزی اکولوژیک، کشاورزی کم نهاده و کشاورزی ارگانیک است ولی به آن‌ها محدود نمی شود (کوچکی، ۱۳۷۶ به نقل از پیشرو و عزیزی، ۱۳۸۸).
- کشاورزی پایدار سیستمی تلفیقی تولیدات حیوانی و نباتی است که با توجه به شرایط هر منطقه جغرافیایی در مدت طولانی نیازهای غذایی و ایافی انسان را برآورده می سازد (علوی، ۱۳۷۸ به نقل از پیشرو و عزیزی، ۱۳۸۸).
- برنامه توسعه سازمان ملل متحد کشاورزی پایدار را روشی می‌داند که با بهره‌گیری از منابع انسانی و مادی محلی با حداقل تاثیرات مخرب بر محیط زیست به تولید محصولات کشاورزی می‌پردازد (عمان، ۱۳۷۸ به نقل از پیشرو و عزیزی، ۱۳۸۸).
- صنعتی شدن و توسعه ارتباط مستقیمی با مسئله وابستگی و سلطه اقتصادی دارد. به عبارت دیگر، صنعتی شدن با مبحث رها شدن از وابستگی و با سلطه بر کشورهای جهان سوم ارتباط مستقیم و تنگاتنگی دارد. صنعتی شدن، توسعه یافتن، عقب ماندن، دچار وابستگی شدن و رها شدن از وابستگی همه مقولاتی پویا و دینامیک بوده و از مکانیسم‌های بسیار پیچیده‌های هم برخوردار هستند. در صورت عدم شناخت این مکانیسم‌ها دچار ساده‌اندیشی خواهیم شد (عظیمی، ۱۳۸۹).
- کشاورزی نقطه مقابل صنعت نیست، تقابل صنعت و کشاورزی یکی از ساده اندیشی‌های موجود است. اگر صنعتی شدن به مفهوم داشتن چند کارخانه باشد، طبیعی است که صنعت در مقابل کشاورزی قرار می‌گیرد ولی اگر صنعتی شدن به مفهوم داشتن سازماندهی، فرهنگ، تکنولوژی و مکانیسم‌ها باشد، دیگر کشاورزی و صنعت در مقابل یکدیگر نخواهند بود. ممکن است بخش عمده فعالیت‌های کشاورزی در زمینه کشاورزی باشد، ولی این فعالیتها را به صورت صنعتی انجام دهد که به اصطلاح آنرا کشاورزی صنعتی می‌گویند (عظیمی، ۱۳۸۹).

مروری بر مطالعات انجام شده

مطالعات خارجی

- کلاسون (۱۹۸۴) در پژوهشی تحت عنوان منابع رشد صنعتی و تغییر ساختاری در دوره ۷۳-۱۹۵۳ و با استفاده از روش داده- ستانده به این نتیجه رسیده است که در ترکیه بر خلاف دیگر کشورهای نیمه صنعتی که گذار موفق از استراتژی جایگزینی واردات به سمت توسعه صادرات داشته‌اند، ترکیه مرحله جایگزینی واردات طولانی داشته است .
- زکریا و احمد (۱۹۹۹) در پژوهشی تحت عنوان منابع رشد صنعتی با استفاده از روش تجزیه عامل: مالزی ۸۷-۱۹۷۸ به این نتیجه رسیده‌اند که رشد تولید ناشی از چهار منبع جایگزینی واردات، توسعه صادرات، گسترش تقاضای واسطه و گسترش تقاضای داخلی بوده است. آنها دوره مطالعه خود را به دو بخش تقسیم کرده‌اند که در دوره ۸۳-۱۹۷۸ گسترش تقاضای داخلی منبع غالب رشد مخصوصا در بخشهای معدن و خدمات در اقتصاد مالزی بوده است و از طرف دیگر رشد در بخشهای کشاورزی، صنایع سبک و صنایع سنگین اساسا ناشی از توسعه صادرات است و در دوره ۸۷-۱۹۸۳ رشد اقتصادی بطور عمده ناشی از توسعه صادرات است .

آکیتا و هرماوان (۲۰۰۰) در پژوهشی تحت عنوان منابع رشد صنعتی در اندونزی ۱۹۹۵-۱۹۸۵: تجزیه و تحلیل داده- ستانده به این نتیجه رسیده‌اند که در سه دهه گذشته اندونزی گذار موفقی از یک استراتژی درونگرا به یک استراتژی برونگرا داشته است.

مطالعات داخلی

برادران شرکا و صفوی (۱۳۷۶) در پژوهشی تحت عنوان بررسی رشد صنعتی ایران: راهبرد توسعه صادرات صنعتی با استفاده از فرم تعدیل شده مدل چنری در بازه زمانی ۷۲-۱۳۵۸ به این نتیجه رسیده‌اند که گسترش تقاضای داخلی در هر دو دوره ۶۸-۱۳۵۸ و ۷۲-۱۳۶۸ اثری مثبت بر رشد صنعت داشته و پس از آن جایگزینی واردات از سهم نسبی بیشتری در رشد بخش صنعت برخوردار بوده و بالاخره توسعه صادرات صنعتی کمترین سهم را در رشد بخش صنعت به خود اختصاص داده است. همچنین اثر توسعه صادرات صنعتی بر رشد بخش صنعتی در دوره اول منفی و در دوره دوم مثبت و اثر جایگزینی واردات در هر دو دوره مثبت بوده است.

میرزایی (۱۳۷۸) در پژوهشی تحت عنوان بررسی تحلیلی نقش راهبرد جایگزینی واردات در رشد تولید صنعتی ایران (با استفاده از روش داده-ستانده) در بازه زمانی ۱۳۵۳-۱۳۴۸ و ۱۳۶۳-۱۳۵۳ و ۱۳۶۷-۱۳۶۳ به این نتیجه رسیده است که عامل اصلی رشد صنعتی در ایران جایگزینی واردات نبوده، بلکه گسترش تقاضای داخلی محرک اصلی این رشد بوده است.

قظمیری و غلامی (۱۳۸۰) در پژوهشی تحت عنوان جهت‌گیری تجاری و رشد بخش صنعت در کشورهای در حال توسعه با استفاده از یک تابع لجستیک به این نتیجه رسیده‌اند که رابطه مثبت و معناداری بین میزان گسترش بخش صنعت در جهت‌گیری تجاری وجود دارد. بطور کلی یافته‌ها بیانگر آن است که کشورهای در حال توسعه‌ای که راهبردهای توسعه صادرات را در پیش گرفته‌اند در مقایسه با کشورهایی که سیاست‌های جایگزینی واردات را دنبال می‌کنند بطور موثری موجبات صنعتی شدن کشور را فراهم خواهد آورد. این نتیجه‌گیری بدان جهت حائز اهمیت است که افزایش سهم بخش صنعت در تولید داخلی نقش اساسی را در فرایند گذر از یک اقتصاد سنتی به یک اقتصاد توسعه یافته ایفا می‌نماید.

علیپور و قدکچی (۱۳۹۰)، در پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه توسعه تجارت با رشد اقتصاد در ایران و با استفاده از روش خود رگرسیون برداری (VAR) و روشهای توابع عکس‌العمل آنی و تجزیه واریانس در چارچوب این الگو به این نتیجه رسیده‌اند که استراتژی جانشینی واردات اقتصاد ایران را به نتایج مطلوب نخواهد رساند. از آنجا که نتایج مدل‌های علی، تاثیر مثبت رشد واردات بر رشد جمع ارزش افزوده بخش‌های صنایع و معادن و کشاورزی بطور ضمنی تاثیر مثبت رشد صادرات نفتی بر رشد ارزش افزوده بخش خدمات را تایید می‌کنند بنابراین باید به استراتژی‌ای اندیشید که اقتصاد ایران را از دو وابستگی برهاند، ۱- وابستگی به واردات ۲- وابستگی به صادرات نفتی. این نتایج پیشنهاد اتخاذ همزمان استراتژی جایگزینی واردات و جایگزینی صادرات را در مورد ایران امکان‌پذیر می‌سازد تا از سویی صادرات کالاهای صنعتی کاربر جایگزین صادرات نفتی شده و از سوی دیگر وابستگی به واردات کاهش یابد.

یوسفی و محمدی (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان تخمین کمی منابع رشد صنعتی در منابع کارخانه‌ای ایران و با استفاده از مدل چنری که توسط کاووسی اصلاح شده است و در بازه زمانی ۸۸-۱۳۷۵ به این نتیجه

رسیده‌اند که ارتقای صادرات در رشد تولید صنعتی ایران در دوره یاد شده مثبت بوده است اما اهمیت آن در رشد صنعتی ناچیز است و جایگزینی واردات نیز منفی بوده و به معنای آن است که واردات جایگزین تولیدات داخلی شده است به عبارت دیگر در دوره یاد شده در کشور صنعت زدایی صورت گرفته است. این یافته مهم‌ترین عامل رشد تولیدات صنعتی را گسترش تقاضای داخلی نشان داده است.

روش اجرای تحقیق

مطالعه حاضر به لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی و از لحاظ روش تجزیه و تحلیل از نوع تحقیقات تحلیلی می‌باشد و از لحاظ گردآوری آمار و اطلاعات از روش اسنادی و کتابخانه‌ای از طریق پایگاه اطلاعات مرکز آمار ایران استفاده شده است. آمار و اطلاعات متغیرها به صورت داده‌های پانل طی دوره ۱۳۷۹ الی ۱۳۹۳ برای ۷ استان کشور در مقایسه با ۲۸ استان کشور (کل استانهای کشور بجز استانهای البرز، خراسان شمالی و خراسان جنوبی) می‌باشد، و تخمین پارامترها با استفاده از نرم‌افزار STATA 11 می‌باشد.

در داده‌های سری زمانی، مقادیر یک یا چند متغیر را در طی یک دوره زمانی مشاهده می‌کنیم. در داده‌های مقطعی مقادیر یک یا چند متغیر برای چند واحد یا مورد نمونه‌ای در یک زمان یکسان جمع‌آوری می‌شود. داده‌های تابلویی ترکیبی از داده‌های مقطعی و سری‌زمانی می‌باشند، یعنی اطلاعات مربوط به داده‌های مقطعی در طول زمان مشاهده می‌شود. در آمار و اقتصاد سنجی، مجموعه داده‌های تابلویی، شامل مشاهداتی برای چندین بخش (خانوار، بنگاه و ...) می‌باشد که در طی زمان‌های مختلف جمع‌آوری شده‌اند. یعنی یک مدل داده‌های تابلویی حاوی اطلاعاتی در زمان و مکان است که شامل N مولفه در T دوره زمانی می‌باشد. داده‌های تابلویی حاوی اطلاعات بیشتر، تنوع گسترده‌تر و همخطی کم‌تر میان متغیرها بوده و در نتیجه کاراتر می‌باشند. در حالی که در سری‌های زمانی، همخطی بیشتری را بین متغیرها مشاهده می‌کنیم. با توجه به اینکه داده‌های تابلویی ترکیبی از سری‌های زمانی و مقطعی می‌باشد، بعد مقطعی موجب اضافه شدن تنوع زیادی شده و در نتیجه برآوردهای معتبرتری را می‌توان انجام داد. در اینجا تعداد مشاهدات به NT افزایش یافته که منجر به برآوردهای کاراتری از متغیرها می‌شود. این امر را می‌توان در محاسبه واریانس جامعه مشاهده کرد و در داده‌های سری زمانی این واریانس به صورت $\hat{\sigma}^2 = \frac{\sigma^2}{N-K}$ می‌باشد ولی در داده‌های تابلویی به صورت $\hat{\sigma}^2 = \frac{\sigma^2}{NT-N-K}$ قابل محاسبه است. چون مخرج کسر دومی بزرگ‌تر از کسر اولی است، پس واریانس داده‌های تابلویی کم‌تر بوده و بنابراین کارایی بیشتری خواهد داشت. در روش تجزیه و تحلیل داده‌های تابلویی، ابتدا یک مقطع خاصی در نظر گرفته می‌شود و ویژگی‌های مربوط برای تمامی N مقطع در دوره زمانی مورد نظر T بررسی می‌شود. در این مدل برابری تعداد داده‌ها در هر مقطع لازم نیست و هم‌چنین می‌توان متغیرهایی داشت که در یک مقطع برای دوره زمانی مورد بررسی ثابت باشند (نرلاو، ۲۰۰۰ به نقل از پرناک، ۱۳۹۳).

ارائه مدل تحقیق:

در این تحقیق از مدل زیر استفاده شده است.

$$\ln VAP = a_0 + a_1 \ln IND + a_2 \ln AGHR + U$$



که در این مدل VAP کل ارزش افزوده استان‌ها را نشان می‌دهد که به عنوان متغیر کمی توسعه پایدار استفاده شده است و IND ارزش افزوده بخش صنعت می‌باشد که به عنوان متغیر کمی میزان عملکرد استراتژی جایگزینی واردات استفاده شده است و AGHR ارزش افزوده بخش کشاورزی می‌باشد که به عنوان متغیر کمی میزان عملکرد استراتژی توسعه درونزا استفاده شده است.

آزمون معنی داری اثرات گروه (آزمون F لیمر: انتخاب بین مدل تلفیقی و پائل اثرات ثابت)

در روش داده‌های تابلویی لازم است که در ابتدا همگن یا ناهمگن بودن مقاطع (واحدها) مورد آزمون قرار گیرد. در صورتی که مقاطع همگن باشند به سادگی می‌توان از روش حداقل مربعات تجمیع شده استفاده کرد. در غیر این صورت استفاده از روش اثرات ثابت ضرورت دارد. که در آن رد فرض صفر بیانگر معنی داری اثرات ثابت و استفاده از روش اثرات ثابت می‌باشد (محمدزاده و همکاران، ۱۳۹۲).

آزمون بروش - پاگان

برای آزمون وجود اثرات تصادفی از آماره آزمون بروش پاگان استفاده می‌شود، که فرضیه صفر به این معنی است که اثرات تصادفی وجود ندارد (محمدزاده و همکاران، ۱۳۹۲).

آزمون هاسمن

برای تصمیم‌گیری در مورد به کار بردن روش اثرات ثابت یا اثرات تصادفی باید توجه داشت که روش اثرات ثابت معمولاً هنگامی کارایی دارد که کل جامعه آماری در نظر گرفته شود، در حالی که اگر از یک جامعه‌ای بزرگ نمونه‌هایی به طور تصادفی انتخاب شوند، روش اثرات تصادفی کارا تر خواهد بود. همچنین آزمون هاسمن برای بررسی وجود همبستگی بین جزء خطا و متغیرهای توضیحی در مدل اثرات تصادفی بکار می‌رود.

آزمون ناهمسانی واریانس

در داده‌های تابلویی نیز مانند داده‌های سری زمانی می‌توان به بحث ناهمسانی واریانس اشاره کرد. برای انجام آزمون ناهمسانی واریانس بین جملات اخلاص دو مدل رگرسیون مقید و نامقید تخمین زده می‌شود. در مدل مقید فرض همسانی واریانس یا فرض توزیع یکسان و مستقل جملات اخلاص در نظر گرفته می‌شود در حالی که در مدل نامقید، فرض بر یکسان نبودن واریانس جملات اخلاص بین واحدهای مقطعی (ناهمسانی واریانس) می‌باشد. در مرحله بعد با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته هر دو مدل تخمین زده شده و سپس بر اساس آماره آزمون نسبت راستنمایی به آزمون فرضیه ناهمسانی واریانس پرداخته می‌شود (پرناک، ۱۳۹۳).

آزمون خودهمبستگی

خودهمبستگی مشکلی است که در نتیجه همبستگی بین جزء خطا رخ می‌دهد. در مورد آزمون خودهمبستگی در داده‌های تابلویی، وولدریج (۲۰۰۲) آزمون خودهمبستگی ساده‌ای را در مورد داده پائل پیشنهاد می‌کند که در آن جملات اخلاص از فرآیند خود رگرسیونی مرتبه اول $AR(1)$ تبعیت می‌کنند. علاوه بر این، نتایج شبیه‌سازی دروکر (۲۰۰۳) نشان می‌دهد که انجام این آزمون با این ویژگی در داده‌های تابلویی از قابلیت استحکام

مناسبی برخوردار می‌باشد. فرضیه صفر در آزمون وولدریج، عدم وجود خودهمبستگی مرتبه اول در جملات اخلاص مدل رگرسیون می‌باشد که در صورت رد فرضیه صفر، مدل تخمین زده شده دارای خود همبستگی مرتبه اول بوده و برای رفع آن لازم است مدل رگرسیون با لحاظ کردن (1)AR مجدداً برازش شود (محمدزاده و همکاران، ۱۳۹۲).

نتایج مدل

با توجه به بررسی‌های انجام شده نتایج به صورت جداول شماره ۱ الی ۴ بدست آمده است:

جدول ۱- نتایج آزمون‌های اولیه و تشخیصی مدل برای کل کشور

نوع آزمون	آزمون F لیمر	آزمون بروش - پاگان	آزمون هاسمن	آزمون خودهمبستگی وولدریج	آزمون ناهمسانی واریانس
مقدار آماره	۱۶۲,۰۰۶	۲۳۲۴,۰۰۹	۳,۴۹	۱۰۸,۹۰۲	-۶۷۷,۳۱
P- value	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۱۷۴۹	۰,۰۰۰۰	۱,۰۰۰۰
مدل	پانل اثرات ثابت	اثرات تصادفی	اثرات تصادفی	وجود خود همبستگی	عدم وجود مشکل ناهمسانی واریانس

جدول ۲- نتایج برآورد مدل انتخابی کل کشور: مدل اثرات تصادفی با رفع مشکل خودهمبستگی

متغیر	ضریب برآورد شده	احتمال
لگاریتم ارزش افزوده صنعت	۰/۵۴۱۵	۰/۰۰۰۰
لگاریتم ارزش افزوده کشاورزی	۰/۳۹۲۴	۰/۰۰۰۰
عرض از مبدا	۱/۳۵۹۳	۰/۰۰۰۰

جدول ۳- نتایج آزمون‌های اولیه و تشخیصی برای استان‌های منتخب

نوع آزمون	آزمون F لیمر	آزمون بروش - پاگان	آزمون هاسمن	آزمون خودهمبستگی وولدریج	آزمون ناهمسانی واریانس
مقدار آماره	۹۵,۴۷	۴۲۱,۱۵	۶,۷۶	۹,۲۷۷	-۴۵,۰۱
P- value	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۳۴۰	۰,۰۲۲۶	۱,۰۰۰۰
مدل	پانل اثرات ثابت	اثرات ثابت	اثرات ثابت	وجود خود همبستگی	عدم وجود مشکل ناهمسانی واریانس

جدول ۴- نتایج برآورد مدل انتخابی استان‌های منتخب: مدل اثرات ثابت با رفع مشکل خودهمبستگی

متغیر	ضریب برآورد شده	احتمال
لگاریتم ارزش افزوده صنعت	۰/۵۴۸۵	۰/۰۰۰۰
لگاریتم ارزش افزوده کشاورزی	۰/۴۳۱۲	۰/۰۰۰۰
عرض از مبدا	۰/۹۹۳۸	۰/۰۰۰۰

نتایج جدول (۱) نشان می‌دهد که مدل مناسب برای کل استان‌ها مدل پانل اثرات تصادفی می‌باشد که دارای مشکل واریانس ناهمسانی نمی‌باشد، اما دارای مشکل خودهمبستگی می‌باشد. لذا نتایج مدل اثرات تصادفی با رفع مشکل خودهمبستگی در جدول (۲) ارائه شده است. نتایج برآورد مدل انتخابی کل استانها در جدول (۲) حاکی از آن است که در حالت کل کشور یک درصد تغییر در ارزش افزوده بخش صنعت باعث ۵۴ درصد تغییر در ارزش افزوده تمامی استان‌های کشور می‌شود، در حالی که یک درصد تغییر در ارزش افزوده بخش کشاورزی برای حالت کل استان‌های کشور منجر به تغییر ۳۹ درصد در ارزش افزوده تمامی استان‌های کشور می‌شود.

نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد که مدل مناسب برای استان‌های منتخب مدل پانل اثرات ثابت می‌باشد که دارای مشکل واریانس ناهمسانی نمی‌باشد، اما دارای مشکل خودهمبستگی می‌باشد. لذا نتایج مدل اثرات ثابت با رفع مشکل خودهمبستگی در جدول (۴) ارائه شده است. نتایج برآورد مدل انتخابی کل استانها در جدول (۴) حاکی از آن است که برای حالت استان‌های منتخب یک درصد تغییر در ارزش افزوده بخش صنعت باعث ۵۴ درصد تغییر در ارزش افزوده استان‌های منتخب می‌شود، در حالی که برای استان‌های منتخب یک درصد تغییر در ارزش افزوده بخش کشاورزی موجب ۴۳ درصد تغییر در ارزش افزوده کل استان‌های منتخب می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که مشاهده شد برای دست یافتن به توسعه پایدار، استراتژی جایگزینی واردات هم برای حالت کل کشور و هم برای استان‌های مورد بررسی این تحقیق اثر بخش‌تر از استراتژی توسعه درونزا بوده است. هم‌چنین اثربخشی استراتژی توسعه درونزا در استان‌های غرب و شمال‌غرب کشور نسبت به حالت کل استان‌های کشور بیش‌تر بوده که به شرایط اقلیمی و آب و هوایی این استان‌ها مربوط می‌شود. با توجه به مطالعات دیگران استراتژی جایگزینی واردات را برای ایران چندان موفق ندانسته‌اند در حالی که با توجه به بررسی‌های مقاله حاضر که در سطح استانی انجام شده است به دلیل اولویت دولت‌ها در ترجیح استراتژی واردات بر استراتژی توسعه درونزا، عملکرد استراتژی جایگزینی واردات بیشتر از استراتژی توسعه درونزا بوده است. در حالی که بر اساس مبانی توسعه پایدار اگر استراتژی توسعه درونزا به عنوان استراتژی برتر انتخاب می‌شد، نتایج توسعه پایدار بیشتر در اقتصاد نمایان می‌گردید.

منابع

- برادران شرکا، حمیدرضا و صفوی، بیژن (۱۳۷۶). بررسی رشد صنعتی ایران: راهبرد توسعه صادرات صنعت. پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۳، صص ۵۵-۸۰.

- بزازان، فاطمه و محمدی، نفیسه (۱۳۸۷). تعیین جایگاه راهبرد توسعه صادرات در رشد تولید صنعتی ایران: با استفاده از روش داده ستانده، فصلنامه اقتصاد مقداری: بررسی‌های اقتصادی سابق، دوره ۵، شماره ۴، صص ۱۳۱-۱۵۵.
- پیشرو، حمداله و عزیززی، پروانه (۱۳۸۸). توسعه کشاورزی پایدار از طریق پایدارسازی درآمدهای کشاورزی. فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی، سال اول، شماره چهارم، صص ۱-۲۰.
- حیدری مطلق، راضیه (۱۳۹۰). الزامات مدیریت واردات در کشور، مجله اقتصادی- ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره‌های ۱ و ۲، صص ۶۳-۹۰.
- روزبهان، محمود (۱۳۹۱). مبانی توسعه اقتصادی. انتشارات تابان.
- سپهوند، رضا و عارف‌نژاد، محسن (۱۳۹۰). اولویت بندی شاخص‌های توسعه پایدار شهری با رویکرد تجزیه و تحلیل سلسله مراتب گروهی: مطالعه موردی در شهر اصفهان. فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، سال اول، شماره اول، صص ۴۳-۵۹.
- سلیمی‌فر، مصطفی، دهنوی، جلال، طاهری فرد، علی، حسینی، سید جعفر و صالح نیا، نرگس (۱۳۸۹). توسعه پایدار و توزیع درآمد در کشورهای در حال توسعه. مشهد نشر جهان فردا.
- عظیمی (آرانی)، حسین (۱۳۸۹). مدارهای توسعه یافتگی، تهران نشر نی.
- علیپور، حمید و قدکچی، مریم (۱۳۹۰). بررسی رابطه توسعه تجارت با رشد اقتصاد در ایران، ماهنامه کار و جامعه، شماره ۱۴۱، صص ۴۶-۵۳.
- قلمیری، محمد علی و غلامی، محمد (۱۳۸۰). جهت گیری تجاری و رشد بخش صنعت در کشورهای در حال توسعه. مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۵۹، صص ۸۳-۹۴.
- میرزایی، حجت اله (۱۳۸۷). بررسی تحلیلی نقش راهبرد جایگزینی واردات در رشد تولید صنعتی ایران با استفاده از فن داده- ستانده. مجله برنامه و بودجه، شماره ۳، صص ۵۷-۸۴.
- ورمزیاری، حجت و بنیاسدی، مصطفی (۱۳۹۳). سیری بر مفاهیم توسعه اقتصادی از رشد تا پایداری: تطابق پذیری با رویکرد اسلامی. سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت.
- یوسفی، محمدقلی و محمدی، الهه (۱۳۹۱). تخکین کم منابع رشد کارخانه‌ای ایران. فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال سیزدهم، شماره ۵۰، صص ۱-۵۵.
- یوسفی، محمدقلی (۱۳۸۸). استراتژیهای رشد و توسعه اقتصادی. تهران نشر نی، صص ۳۳۶.
- پرناک، روناک (۱۳۹۳). بررسی تاثیر درآمدهای نفتی بر شاخص حکم‌رانی خوب در کشورهای منتخب عضو اوپک. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اقتصادی، دانشگاه ارومیه.
- پایگاه اطلاعاتی مرکز آمار ایران: WWW.AMAR.ORG.IR
- محمدزاده، پرویز، ممی‌پور، سیاب و فشاری، مجید (۱۳۹۲). کاربرد نرم‌افزار Stata در اقتصادسنجی: جلد اول، نشر نور علم و دانشکده علوم اقتصادی.
- Zakaria. A.R. and Ahmad.A. (1999), Source Of Industrial Growth Using The Factor Decomposition Approach: Malaysia 1978-87, *The Developing Economics*, XXXVII-2, PP. 162-96.
- Celasun. M. (1984), Sources of Industrial Growth and Structural Change: The Case of Turkey, *World Bank Staff Working Papers*, No. 614.
- Akita. T. and Hermawan.A. (2000), The Sources of Industrial Growth in Indonesia 1985-1995: An Input-Output Analysis, *Working Paper*, No. 4.



دانشگاه پلی تکنیک سلیمان

اولین همایش بین المللی

برنامه ریزی اقتصادی، توسعه پایدار و متوازن منطقه‌ای

رویکردها و کاربردها (۱۳ و ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۹۶)



دانشگاه کردستان

